

## روایت دردناک «روزنامه عصر جدید» از ویرانی ایران در جنگ‌های جهانی+تصویر روزنامه

۱۴ خرداد ۱۳۹۶ ساعت ۱۷:۴۳

ایران که بدون هیچ منفعتی یک قسمت از حدودش در آتش جنگ بین المللی می سوزد این استراحت نیز مرتفع و حتی در همین سرما جان و مال یک عده از اهالی مملکتش از قتل و نهب محفوظ نمی ماند...»

کافه تاریخ- اخبار تاریخی

همان طور که می دانیم دو جنگ جهانگیر در قرن بیستم رخ داد. جنگ هایی که بخش های زیادی از جهان را به خود مشغول داشت. در هر دو جنگ برخی از کشورها به طور ثابت حضور داشتند، مثل انگلستان که در نهایت در هر دو جنگ جزء طرف پیروز بود و آلمان که در هر دو جنگ در میان شکست خورده‌گان حاضر بود.

اما کشورمان، ایران، در هر دوی این جنگ‌ها جزء بی طرفان بازنشه بود. اگر آلمان در هر دوی این جنگ‌ها خودخواسته وارد شده و به نوعی رهبری یکی از جبهه‌ها را بر عهده گرفته بود، ایران نه تنها حاضر به ورود به جنگ نبود، بلکه صراحتا اعلام بی طرفی می کرد. اما ضعف قدرت مرکزی سبب می شد تا کشور ما نتواند از آتش جنگ محفوظ بماند و از این رو مردم ایران تنها می باشند آرزو می کردند تا جنگ به پایان برسد تا بدین گونه بتواند بار دیگر رنگ آرامش را در کشور خود ببینند.

روزنامه عصر جدید در زمانه مشروطه و در میانه جنگ جهانی اول در یادداشتی با عنوان «سال سو و شاید سال آخر» به توصیف زمستان سومین سال جنگ می پردازد:

امن زمانه زمان سوم  
سال سوم و هاید است که از عمر جند  
سال آخر بین امپراتوری می تقدیر و  
متوجه از زمان پیشون و زیری شدید خانه  
داده زد کی چندین هزار نفر را موقتاً در تحت  
حالت سود میگیرد :

«قریب جنگ های زردا در فروخت  
های پنهان تعلق و متعارفین از حملات امریمه  
و باعلاف مجاہده تقدیر » متردم تلاش مطبه  
بود دست کشیده و تسلیح امروزه سگری با  
خشکی میتواند ولی در ضمن فواید خود را  
برای آن که تشدید سل اخراج جنگ بین امپراتوری  
باند ستر پیشاید که با امنیت هزار که قبل  
شید خاتمه این کشمکش از مسیرهای است این  
شده از فرن حاضر کنم آلات قتل و اعدامی  
و اگر راهی جانی هدیه کن و نجات عذرها نیزه  
میگردند از نو تکار پنهانند

خود هاری نیزکه سهل زمستان میل استراحت  
پسند و مدوره بجهه پیش زمی بجهوب برگرداند ولی  
برای ایران حکمه بیرون همچنان که نسبت  
از حمدویه در آن جنگ بین امپراتوری بسیار  
امن استراحت از موقع و حق در عین سرما  
جان و نال بیان نهاده آن اعمال مملکتی از قدر  
و این بسطه حق مالک ،  
ل که بوضیان و لز لزوات است درین  
شاید درست این نوایر و مدت اعمال بمحبت  
آن خود را بحق گردیده تا ملکه در جنگ  
میگردند که شن جنگ خود بجهوب کشیده  
چه اکوه بینی و جوی خود ریزی  
آه خوز تیرایه خودی بچک و بیق  
کرده و اشکنا که راهت اینکه همچنان بجهوب و  
حکومت نهاده خاتمه ای  
آیا خذاره و لاده بینما - خون های  
رسکه شده هدوطنان ما - خالهای خراب و  
خواج خده ما - خوز لاز قلوب ما - تتری نوله  
گردید است ۹

گمان ای اکوه  
آیا ای اکوهی - بی خوشی - بخواران  
موهوم در دویش اتفاقهای مخصوص - مفتران  
و مفترانش تشدید را بطرف ما جنگ نکرده و  
کله موقع اسلام را از ما ملت نموده  
آیا موقع شناسی را جزء دست سپیون  
با ایندیه بجهوب داشت آیا در زمی کی سلسی  
حکمرانی ما و شاهد سلسی و تحالف اسلامی  
یکند و قی موقع اهل اسلامیه شدید است و آیا  
دل سعادت های وسیله آتشیک ها و کشکش  
نهی داشت یکن از طریق سلسی بجهوب  
شده و باشده مخصوصی از جرائمی همی شاهی  
برای نگرانی ما مخصوص بوده است ۱۰

مانند این حواب نهاد این سوال های معمول است  
ما هم شهیدی که نیز بگویم در موقع  
آیت ای و تها بشرط علاوه و ملن است که هنوز  
سی گذاره ساخته باشیم و از این است که کامی  
این نوع طبقی را برای اصلاح دور جنی در آن  
چه دکاری خواهیم چندهای و می کشید ۱۱

در فروخت زردا - بستان و کلیسی و در  
فروخت دران ای ای بحد جنگ ها سان  
سکوت خواهند و در جوی کلیسی بجز ملکه  
آزادیه زردازی میشود تهبا در فروخت بالکان  
لیست آن در بایقون خون و زری بخلاف ساق خود  
یعنی است و آیه احتمال همروه این است میگله  
زمستان امساله نوجه منحسین شد این فروخت  
حل گردیده و زینه مفع آیه بجز در اینجا  
فرامی گردیده ، آیه اگر متفقین موفق و پیشرفت  
در بالکان خود و پیشیت شاهی و بیان سخت و  
رواط این دو دولت از میستگل ائمه حرم  
ملکه شده و قهره محاکمه بخوبیت میگردند .  
بر عکس اگر متعارف از روایت میگردی در بالکان  
پیشرفت های مهم داشتند که نیز نسبت بر راه  
از غصه متعارف طبع نداشده ، و انتقامه دیده میگردید  
بر عصر جنگ افزوده جوانده شد .  
پیش از این میتواند بجز ای نسام  
بلی میشوند و اخیل در جنگ هست و برای سلط  
پیش از این میشوند آیه سود از هم قسم نهاده اند

«این زمستان، زمستان سوم است که از عمر جنگ بین امپراتوری می گذرد و متوجه از سرداری زمستان به خون ریزی شدید خاتمه داده، زندگی چندین هزار نفر را موقتاً در تحت حمایت خود می گیرد. عنقریب جنگ های بزرگ در فرونت های مختلفه تعطیل و

متحاربین از حملات تعریضیه و یا حملات متقابله شدید که مستلزم تلفات عظیمیه بود دست کشیده و به اصطلاح امروزه سنگری یا خندقی می شوند ولی در ضمن قوای خود را برای آتیه که شاید سال آخر جنگ جهانی بین المللی باشد، حاضر می نمایند که با آمدن بهار که فصل تجدید حیات یک قسمتی از موجودات است، این متمدنین حاضر تمام الات قتل و اعدامی را که برای جان همدیگر و جان بی طرف ها تعییه نموده اند از نو به کار بیندازند...»

نویسنده ای یادداشت سپس به سراغ آتشی که از جنگ نصیب ایران شده می آید و می نویسد: «... ولی برای ایران که بدون هیچ منفعتی یکی قسمت از حدودش در آتش جنگ بین المللی می سوزد این استراحت نیز مرتفع و حتی در همین سرما جان و مال یک عده از اهالی مملکتش از قتل و نهب محفوظ نمی ماند...»

او سپس برخی سوالات را از سیاستمداران ایرانی می پرسد؛ از جمله آنکه: «آیا خسارات واردہ بر ما-خون های ریخته شده هموطنان ما-خانه های خراب و تاراج شده ما- هنوز در قلوب ما تاثری تولید کرده است؟» و سپس صراحة پاسخ می دهد: «گمان نمی کنم» و در پایان ضمن اشاره به این نکته که به کرات به این مسائل پرداخته است، می نویسد: «... گاهی این حقایق را برای اطلاع مورخین در آتیه به یادگار در این صفحات گذارده و می گذریم...»<sup>۱</sup>

پی نوشت ها:

۱- روزنامه عصر جدید، شماره سی ام، ۲۴ محرم ۱۳۳۵ و ۲۱ نوامبر ۱۹۱۶

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۳۵۹۰۵/روایت-دردنگ-روزنامه-عصر-جدید-ایران-و-جنگها-ی-جهانی>